

وقتی هشتمین رئیس جمهور با حضور  
وزرای پرانگیزه شروع به کار کرد

# حمله به دولت از روز اول

● محمدهادی فرسوی  
روزنامه نگار

نبود؟ حیرت ملتی که چشم امید به دولتی جدید، با عزمی راسخ، نیرویی جوان و انگیزه‌هایی پرشور داشت و این شور و انگیزه در دولت متصف به اقدام و عمل، خلاف روندها و رفتارهایی بود که ملت پیش از این تجربه کرده بود. پس چه بهتر که برای فراموشی کژکارکردی‌های دیروز، امروز را مخدوش کنند. انتصابات فامیلی، ابزار این مخدوش‌سازی بود، آن هم در نخستین هفته‌های فعالیت دولت سیزدهم.

## زیربنای سیاسی ساختن اتهام انتصابات فامیلی

در پاسخ به اینکه چرا برخی به ساختن اتهام‌واهی انتصابات فامیلی روی آوردند، می‌توان به دو مسأله عمده اشاره کرد: فقدان دستاورد در دولت دوازدهم، امید به تغییر و بهبود در دولت سیزدهم. به عبارت دقیق تر، تقابل و تفاوت دو دیدگاه بود که چنین صحنه‌ای را ترتیب داد؛ یکی جریانی که باید از دولتی حمایت می‌کرد که بدون دستاورد به کار خود پایان داده، در مقابل جریانی که با تکیه بر امید شکل گرفته در لایه‌های جامعه، آینده‌ای دیگر را پیش رو می‌نهاد. در میانه چنین کشاکش سیاسی، گویا برخی به این ارزیابی رسیدند که بهترین دفاع، حمله است. از این‌رو به جای

کوه «انتصابات فامیلی» حتی موش هم نرزیید. آن برجسب زنی سیاسی به دولت نوپای ابراهیم رئیسی چنان بی‌پایه بود که در نهایت به خاطره‌ای مبهم در خاطر ایرانیان مبدل شد. اما همین خاطره مبهم، هدف کسانی بود که می‌خواستند فضای سیاست را غبارآلود کنند تا در آغاز راه دولت سیزدهم، چهره دولت را برابر دیدگان ملت مشوش سازند؛ اما در واقعیت، از آن چیزی که کوه انتصابات فامیلی خوانده می‌شد، حتی یک مورد هم اثبات نشد. حالا، از یک سو دولتی ایستاده است که از این ماجرا سازی سربلند بیرون آمد و در سوی دیگر، برخی جریان‌های سیاسی که اصول رقابت را محترم نمی‌شمارند، آن هم دولتی که کارزار رقابت در انتخابات را پشت سر گذاشته و بر آن است تا فرصت خدمت را غنیمت بدانند. البته این ماجرای سوی سومی هم دارد؛ مردم یا افکار عمومی که ناظران کشمکش میان یک برساخته و یک حقیقت بودند. اما آیا مقصود طراحان این بازی ناسالم، همین حیرت

پذیرش مسئولیت ناکامی‌های گذشته و پاسخ به افکار عمومی که چرا ۸ سال فعالیت یک دولت بدون دستاورد به پایان رسیده است، حمله به دولت جدید را انتخاب کردند. نوک این حمله مسأله انتصابات فامیلی بود که از قضا از سوی طراحان، در زمان مناسبی هم انتخاب شد. زیرا مهم‌ترین جابه‌جایی‌ها در هر دولتی، در ابتدای کار صورت می‌گیرد، در مقابل، بیشترین سرمایه‌های اجتماعی و سیاسی دولت‌ها نیز در ابتدای کار آنان وجود دارد. زیرا هنوز شور و هیجان انتخابات تداوم دارد و درعین حال، هنوز اقدامات عملی دولت به ثمر ننشسته است تا تصویر دقیقی از دولت نزد ملت به دست دهد. در چنین شرایطی، مردم، افکار عمومی و ناظران، انتصاب‌ها و انتخاب‌های مدیران را به منزله ارزیابی اولیه از رویکرد و جهت‌گیری دولت در حال شکل‌گیری تعبیر و تحلیل می‌کنند. جریانی که ۸ سال ناکامی را به کشور و مردم تحمیل کرده بودند، درست به دولت لحظه حساس را برای تحمیل کرده بودند، درست همین لحظه حساس را برای حمله خود به دولت انتخاب کردند.

افکار عمومی  
و ناظران،  
انتصاب‌ها و  
انتخاب‌های  
مدیران را به  
منزله ارزیابی  
اولیه از رویکرد  
و جهت‌گیری  
دولت در حال  
شکل‌گیری  
تعبیر و تحلیل  
می‌کنند.  
جریان‌های  
سیاسی که ۸  
سال ناکامی را  
به کشور و مردم  
تحمیل کرده  
بودند، درست  
همین لحظه  
حساس را برای  
حمله خود به  
دولت انتخاب  
کردند.

ساختمان‌های آن حضور دارند و در جلسات شرکت می‌کنند، اما آنچه در عمل وجود داشت، فقدان کارکردهای مورد انتظار از نهادی به نام دولت بود. در ظاهر چنین می‌نمود که کارخانه دولت به شدت فعال است و جلسه پشت جلسه برای حل مسائل کشور برگزار می‌شود، اما این کارخانه محصولی نداشت، فقط از دودکش‌های آن دود خارج می‌شد. به همین دلیل بود که مشکلات و فشارها در حالی به مردم وارد می‌شد که هیچ راه حلی افافه نمی‌کرد، جلسات بی‌ثمر بود و گفتارها به دل و ذهن ایرانیان نمی‌نشست. سازه دولت بود، اما انگار نهاد دولت وجود نداشت و آنچه وجود داشت، احساس تنهایی و بی‌دولتی مردم، در میانه مشکلات اقتصادی و کرونا بود. انتخابات ۱۴۰۰ در چنین شرایطی برگزار شد و از عجایب آنکه از دل این ناامیدی، امید متولد شد. حجم این امید، چیزی نبود که برای جریان بی‌کارکرد و فاقد دستاورد، آن هم با وجود ۸ سال مسئولیت در عالی‌ترین سمت‌های اجرایی، خوش بیاید. هنوز هم کارنامه‌ای از دولت سیزدهم رقم نخورده بود که بتوان به ظاهر به آن نقدی وارد کرد. در چنین شرایطی، بهترین دفاع، طبیعتاً حمله است. به عبارت دیگر، این جریان به جای اینکه از منطری انتقادی به گذشته خود بنگرد تا بتواند با بازبینی آن، احتمالاً برای آینده سرمایه و تجربه‌ای بیندوزد، حمله به دولتی که هنوز سروشکل پیدا نکرده بود، در دستور کار قرار داد. اما آیا این جریان